اگرچه‌ به‌درستي‌ نمي‌توان‌ تاريخ‌ دقيقي‌ براي‌ پيدايش‌ فرهنگ‌ عاميانه‌ و آداب ‌و رسوم‌، آيين‌ها و مراسم‌ ملّي‌، مذهبي‌، اجتماعي‌ درنظر گرفت‌ و ادوار تغيير وتحوّل‌ آن‌ را طبقه‌بندي‌ و زمان‌بندي‌ و به‌ طور صريح‌ ابراز كرد كه‌ فرهنگ‌ عامّه ‌اول‌ بار در بين‌ كدام‌ قوم‌ بربار نشسته‌ و هسته‌هاي‌ اوليّة فرهنگ‌ مردمي‌ و به‌اصطلاح‌ علمي‌تر و جامع‌تر فولكلور به‌ چه‌ زباني‌ شكل‌ گرفته‌ است‌، به‌نظر مي‌رسد سابقة‌ اين‌ كار با تاريخ‌ اجتماعي‌ بشر بر روي‌ كرة‌ خاكي‌ ملازمت‌ دارد؛ چراكه‌ انسان‌ از آغازحيات‌ تاريخي‌ خود، اسير غم‌ها، شادي‌ها، خوشي‌ها، ناملايمات‌ و فرازونشيب‌هاي‌ مختلف‌ زندگي‌ بوده است و هست‌. نبودِ كتاب و آثار مكتوب‌ در آن‌ گذشته‌هاي‌ دور، نمي‌تواند دليلي باشد كه ‌ادبيات‌ شفاهي‌ ديرينه‌ تاريخ‌ نباشد و ما امروزه‌ حال‌ و هواي‌ دوران‌ پيشين‌ را پيش‌رو نداشته‌ باشيم؛‌ زيرا به‌ گواه‌ اسطوره‌ و تاريخ‌ ـ به‌ويژه‌ در سرزمين‌هاي‌ شرقي‌ ـ ازسپيده‌دمان‌ تاريخ، ‌عواطف‌ و احساسات‌ و عملكردهاي‌ مختلف‌ مردم‌ درعرصه‌هاي‌ مختلف‌ زندگي‌ و در دست‌وپنجه‌نرم‌كردن‌ آنان‌ با عناصر طبيعت‌ درمنابع‌ بازتاب داشته است. با ملاحظة‌ اين‌ باورداشت‌ها و آيين‌هايي‌ كه‌ سينه‌به‌‌سينه‌ و از نسلي‌ به‌ نسل‌ ديگر يا از ناحيه‌اي‌ به‌ ناحية‌ ديگر انتقال‌ يافته‌ است‌، به ‌اين‌ نتيجه ‌مي‌رسيم‌ كه‌ ريشه‌ و هويت‌ تاريخي‌ و اصالت‌ ما در گروِ شناخت‌ هرچه‌ بيشتر اين ‌اعتقادها‌ و باورداشت‌ها است‌؛ اگرچه‌ بعضاً بسياري‌ از جلوه‌هاي‌ فرهنگساز فرهنگ‌ عامّه‌ با باورداشت‌هاي‌ خرافي‌ چنان آميخته‌ و عجين‌ شده‌ است‌ كه‌ ما را در تشخيص‌ سره‌ از ناسره‌ دچار مشكل‌ مي‌سازد. اين‌ گونه‌ ادبيات‌ كه‌ با اوّلين‌ جرقّه‌هاي‌ ذوقي ‌انسان‌هاي‌ اوّليه‌ و برخورد با طبيعت‌ در جهات‌ گوناگونش‌ پديد آمده،‌ سرشار ازمقولـــــه‌هاي‌ ناب‌ آييني‌ و عادات‌ و رسوم‌ اجتماعي‌ و باورداشت‌هاي‌ فرهنگي‌ است‌ كه‌ ضرورت‌ جمع‌آوري‌ و تدوين‌ آنها را با تأكيد بسيار گوشزد مي‌كند؛ و بايد گفت‌ كه ‌اين‌ قصّه‌ها، افسانه‌ها، متل‌ها، مثل‌ها، لطيفه‌ها، ترانه‌ها، تمثيل‌ها و حكايات‌ و حتّي‌ فحش‌ها و ناسزاها و آداب‌ و رسوم‌ مربوط به جشن‌ها و عزاها، كارهاي ‌روزانه‌، حيات‌ اقتصادي‌، مذهبي‌، اجتماعي‌ و فرهنگي‌ مردم كه‌ از زمان‌هاي‌ دور به‌ ما رسيد ـ چه‌ نيك‌ و چه‌ بد ـ از بهترين‌ منابع‌ شناخت‌ جوامع‌ انساني‌ و مهم‌ترين ‌وسيله‌ براي‌ پي‌بردن‌ به‌ روحية‌ ملّت‌ها است‌.

با مطالعة‌ تطبيقي‌ آداب‌ و رسوم‌ ملّت‌هاي‌ گوناگون‌ به‌ اين‌ نتيجه‌ مي‌رسيم‌ كه‌ بسياري‌ از اين‌ باورداشت‌ها و نكات‌ و لطايف‌، ريشة‌ واحدي‌ دارند يا بهتر است‌ گفته‌ شود‌ بيشتر آنها از مقولة‌ توارد است‌ كه به‌ ذهن‌ افراد مختلف‌ از ملّيت‌هاي‌ گوناگون‌ آن ‌موضوع‌ خطور كرده‌ است‌ و فقط‌ از لحاظ‌ زبان‌ و نوع‌ برداشت‌ با توجه‌ به‌ ويژگي‌هاي ‌محيط‌ بين‌ آنها تفاوت‌ وجود دارد. صحت اين مدّعا، به‌عنوان‌ نمونه، با‌ مقايسة‌ ضرب‌المثل‌هاي ‌ملّت‌هاي‌ مختلف‌ ـ كه‌ منابع‌ بسياري‌ هم‌ در اين‌ باره‌ مي‌توان‌ ذكر كرد ـ تأييد مي‌شود.

ادوارد تيلر كه‌ تحقيقات‌ مفصّلي‌ در مقايسة‌ آداب‌ و رسوم‌ و خرافات‌ ملّت‌هاي ‌مختلف‌ دارد، مي‌گويد:

وقتي‌ كه‌ ما عادات‌ و اعتقادات‌ چادرنشينان‌ وحشي‌ را با ممالك‌ متمدّن‌ بسنجيم‌، تعجّب‌ خواهيم‌ كرد كه‌ چقدر از تمدّن‌هاي‌ پست‌ با تغييرجزيي‌ در تمدّن‌ عالي‌ ديده‌ و شناخته‌ مي‌شود و گاهي‌ هم‌ مشابهت‌ نام‌ دارند. (هدايت‌، 1378:‌ 23)

اگر فرهنگ‌ را مجموعة‌ دستاوردهاي‌ مادّي‌ و معنوي‌ جوامع‌ بشري‌ تعريف‌ كنيم‌، مي‌بينيم‌ كه‌ اين‌ فرهنگ‌ در تمامي عرصه‌ها و جنبه‌هاي‌ زندگي‌ ما نفوذ و رسوخ‌ فراوان‌ دارد و فرهنگي‌ مجرّد و ويژة‌ يك‌ منطقه‌ يا ناحية‌ خاص‌‌ نيست‌ بلكه با فرهنگ‌ بشري‌ و جهاني، پيوستگي‌ و ارتباط تام‌ و كامل‌ ‌ دارد. بخش‌ عمده‌اي‌ از آن،‌ ميراث‌ و اندوختة ‌نسل‌هاي‌ گذشته‌ است‌ كه‌ ريشه‌ در اعتقادها‌ و باورداشت‌هاي‌ پيشينيان‌ ما دارد. از اين‌ رو است‌ كه‌ در چند دهة‌ اخير، برخي‌ محقّقان‌ ما در كنار خاورشناسان‌ و محقّقان ‌خارجي‌ پژوهش‌هاي سودمندي‌ را در زمينة‌ فرهنگ‌ مردمي‌ و آداب‌ و رسوم‌ شروع‌ كرده‌اند كه‌ برشمردن‌ نام‌ و آثار تأليفي‌ آنان، خود، نوشتن‌ رساله‌اي‌ مفصّل ‌را مي‌طلبد و ما را فعلاً قصد انجام‌ چنين‌ كاري‌ نيست؛‌ ولي‌ به ناگزير براي‌ ورود به ‌بحث‌ و معرّفي‌ برخي‌ منابع‌ فرهنگ‌ عاميانة‌ زبان‌هاي‌ تركي‌ و كردي،‌ نامي‌ از پيشكسوتان‌ ادب‌ عامّة‌ خارجي‌ و ايراني‌ مي‌بريم‌.

ابتدا از برخي‌ محقّقان‌ فرهنگ‌ عامّة‌ خارجي‌ كه‌ آثاري‌ پيرامون‌ آداب‌ و رسوم‌، اعتقادها و باورداشت‌ها و ابعاد گوناگون‌ فرهنگ‌ مردمي‌ ايرانيان‌ دارند، به‌جهت‌ آشنايي‌ علاقه‌مندان‌ اين‌ گونه‌ مباحث‌، نام مي‌بريم‌ و سپس‌ آثار خادمان‌ فرهنگ‌ تودة ايراني‌ و در نهايت تركي‌ و كردي‌ را به‌اجمال ‌معرّفي‌ مي‌كنيم‌:

نخست‌ بايد از كريستن‌سن‌ ـ محقّق‌ نامدار دانماركي‌ـ ياد كرد كه‌ آثاري‌ چون‌ *نمونة‌ اوّلين‌ انسان‌ و اوّلين‌ شهريار در تاريخ‌ افسانه‌اي‌ ايران*‌ و *داستان‌هاي‌ عاميانة‌ ايراني*‌ (متن‌ فارسي‌ و ترجمة‌ دانماركي‌ با شرح‌ و حواشي‌) را تأليف‌ كرده‌ كه ‌اين‌ دوكتاب‌ با هم‌ در 1918م. تحت‌ عنوان‌ *حكايت‌هاي‌ ايراني‌ در زبان‌ عوام*‌ چاپ‌ شده‌ است‌. (شفا، 1351: ج‌ 2، ص‌ 214)

ديگر، اسكار مان[[1]](#footnote-2)‌ ـ مدير شعبة‌ شرقي‌ كتابخانة ‌پادشاهي‌ برلين ـ‌ است كه‌ در كتاب‌ خود، به‌ لهجه‌هاي‌ مختلف‌ زبان‌ فارسي‌ و كردي،‌ حكاياتي نقل‌ كرده‌ كه‌ حائز اهميّت‌ است‌. اين‌ كتاب‌ بين‌ سال‌هاي‌ 1905م. تا 1910م. منتشرشده‌ است‌.

همچنين، لوريمر[[2]](#footnote-3)‌ كه علاوه‌ بر تأليف‌ كتاب‌ *فرهنگ‌ مردم‌ كرمان‌*، مجموعة‌ قصّه‌هاي‌ لري‌ و بختياري‌ را با كمال‌ معرفت‌ و حسن‌ ذوقِ از زبان‌ لرها و بختياري‌ها جمع‌آوري‌ و به‌ زبان‌ انگليسي‌ ترجمه‌ كرده‌ است‌. (كريستن‌سن‌، 1341ق.: 140)

در سال‌ 1832، جيمس‌ اتكين‌سون‌ كه‌ با ترجمة‌ *شاهنامة‌* فردوسي‌، فريفتة‌ داستان‌هاي‌ حماسي‌ ايران‌ و از آن‌ رهگذر دل‌بستة‌ قصّه‌هاي‌ عاميانه‌ و فولكلور ايران‌ شده‌ بود، *قصّه‌هاي‌ كلثوم‌ننه*[[3]](#footnote-4)‌ را تحت‌ عنوان‌ *عادات‌ و رسوم‌ زنان*[[4]](#footnote-5) ترجمه‌ كرد. (طاهري‌، 1352:‌ 440-439)

... از مجموعه‌هاي‌ مهمّ‌ ديگري‌ كه‌ بايد نام‌ برده‌شود، يكي‌ *قصّه‌هاي‌ فارسي*‌ ترجمة‌ كين[[5]](#footnote-6)‌ است كه‌ مترجم‌ اين‌ مجموعه‌ را نموداري‌ از آداب‌ و رسوم‌ شرقي‌ ناميده‌ است‌ (اين‌ اثر به‌ سال‌ 1835م. در لندن‌ چاپ‌شد)؛ ديگر، چند داستان‌ فولكلوريك‌ است‌ كه‌ با خرابه‌هاي‌ تخت‌جمشيد ارتباط دارد‌. اين‌ قصّه‌ها را گيبون[[6]](#footnote-7) در *مجلّة‌ انجمن‌ آسيايي‌ بنگاله‌* به‌چاپ‌ رسانيده‌ است‌؛ سومي،‌ *داستان‌ سه‌ درويش‌ و بعضي‌ قصّه‌هاي‌ ديگر* كه‌ روبن‌ لوي‌ در 1923م. آنها را ترجمه‌ كرده‌ است‌. دو سال‌ پس‌ از انتشار ترجمه‌هاي‌ لوي،‌ به‌ چهارمين ‌مجموعة‌ قصّه‌هاي‌ فارسي‌ برمي‌خوريم‌ كه‌ آن‌ را مكنزي‌ از اصل‌ داستان‌هاي‌ فارسي ‌برداشته‌ و به‌ ميل‌ خودش‌ تحريف‌ و ترجمه‌ كرده‌ و به‌ سال‌ 1928م. در لندن‌ منتشرساخته‌ است‌.

از محقّقان‌ دورة‌ بعدي‌ بايد از الول‌ساتن[[7]](#footnote-8) نام‌ برد كه‌ *قصّة‌ اسب‌ دريايي*‌ را با چند داستان‌ ديگر يك‌جا و قصّة‌ *خانم‌ مشهدي*‌ را جداگانه‌ در 1950م. ترجمه‌ و منتشر كرده‌ است‌. همان‌ پژوهشگر در *يادنامة‌ مينورسكي*‌ (چاپ‌ تهران‌،1348 ش./1969م‌.) كوشش‌ كرده‌ است‌ زبان‌ پاره‌اي‌ از قصّه‌ها مانند نمكي‌، گل‌ خندان‌، نارنج‌ و ترنج‌، ماه‌پيشاني‌، نمدي‌ يا گوسفندي‌، گل‌ زرد و دختر حاجي‌سيّد را با انواعي‌ كه‌ دو تن‌ از محقّقان‌ بزرگ‌ افسانه‌هاي‌ عاميانه‌ يعني‌ *آنتي‌ آرن‌ و استيت‌ تامپسون‌*[[8]](#footnote-9)‌ وضع‌ كرده‌اند، وفق‌ دهد و مشخّص‌ كند... (همان‌،‌ ص‌ 442-439 به‌اختصار)

در زمينة‌ تعزيه‌ و جمع‌آوري‌ تعزيه‌نامه‌هاي‌ ايراني،‌ نام‌ افرادي‌ چون‌ كنت ‌دوگوبينو، الكساندر خودزكو، شارل‌ ويرولو، ويلهلم‌ ليتن‌، لوئيس‌ پلّي،[[9]](#footnote-10)‌ كريمسكي‌، برتلس‌، ويليام‌ بنجامين‌ امريكايي‌ درخور ذكر است‌. توجّه ‌اين‌ محقّقان ‌بزرگ‌ خارجي‌ به‌ تعزيه‌ ـ هنر بومي‌ و عاميانة‌ ايراني‌ ـ موجب‌ شد كه‌ پژوهشگران‌ و خاورشناسان‌ ديگري‌ به‌ تحقيق‌ در مسائل‌ داستاني‌ و فرهنگ‌ عامّة ‌ايراني‌ در ابعاد گوناگونش‌ اقدام كنند؛ ازجمله‌ ادوارد مونتاين[[10]](#footnote-11)‌ ‌كتابي‌ به‌نام‌ *داستان‌هاي‌ ايراني*‌ تأليف‌ و به‌ سال‌ 1890م. در پاريس‌ منتشر كرد كه‌ منبع‌ تحقيق‌ مفيدي‌ براي‌ فولكلور ايران‌ است‌... هانري‌ ماسه ـ خاورشناس‌ مشهور فرانسوي‌ ـ نيز در اين‌ باب‌ زحمت‌ بسيار كشيده‌ و چندين‌ كتاب‌ دربارة‌ ايران‌ و ايرانيان‌ تأليف‌ كرده‌ است‌. وي‌ در كتاب‌ *قصّه‌هاي‌ عاميانة‌ ايراني*‌ كه‌ به‌سال‌ 1925م. در پاريس‌ چاپ‌ كرده‌، قصّه‌ها و مثل‌هايي‌ از فارسي‌ به‌ فرانسه‌ ترجمه‌ و متن‌ خراساني‌ دو قصّه‌ را هم‌ ضميمه‌ كرده‌ است‌. همين‌ دانشمند بعدها در كتاب‌ ديگر خود با عنوان‌ *آداب‌ و عقايد ايرانيان*‌ (ماسه‌، 1355: 2 ج‌)(1) تقريباً همة‌ *نيرنگستان‌ و اوسانه*‌ صادق هدايت‌ و *چهارده‌ افسانة‌* كوهي‌كرماني‌ را با اسناد و شواهد ديگر‌ در دو جلد به‌ سال‌ 1938م. به‌چاپ‌ رسانيده ‌است‌. اين‌ كتاب‌، جامع‌ترين‌ و مستندترين‌ كتابي‌ است‌ كه‌ به‌ زبان‌ خارجي دربارة ‌فولكلور ايران‌ نوشته‌ شده‌ است‌. (آرين‌پور، 1374: 447).

ويلهلم‌ آيلرس[[11]](#footnote-12)‌ استاد شرق‌شناسي‌ دانشگاه‌ ورتسبورگ‌ ـ علاوه ‌بر تهية‌ فرهنگ‌ جامع‌ لغت‌ فارسي‌ به‌ آلماني،‌ مجموعه‌اي‌ از ترجمة‌ ضرب‌المثل‌هاي‌ فارسي‌ به‌ آلماني‌ را تنظيم‌ كرده‌ است.‌ (شفا، 1351:‌ 20)

ديگر از *دوبيتي‌هاي‌ فارسي*‌ (يادداشت‌هاي‌ هيئت‌ خاورشناسان‌، مسكو، 1927) مي‌توان از *ادبيات‌عاميانة‌ ايران*‌ به قلم برتلس‌ (مسكو، 1934)، *ادبيات‌ فولكلوري‌* ايران‌ به قلم‌ گالونف[[12]](#footnote-13)‌‌ (مسكو، 1935) (همان‌، ص‌ 51)، *مجموعة‌ قصّه‌هاي‌ فارسي*‌ ترجمة‌ بانو آ.ز. روزنفلد و ترجمة‌ 75 افسانه‌ از افسانه‌هاي‌ ايراني‌ از‌ ر.علي‌يف‌ و آ. برتلس‌ و ن‌. عثمانف‌ به‌ سال‌ 1958م. در‌ شعبة‌ خاورشناسي‌ آكادمي‌ علوم‌ شوروي‌ و مهم‌تر از همه‌ اثر ژوكوفسكي‌ ـ پيشواي‌ فولكلورشناسي‌ فارسي‌ در شوروي‌ ـ با عنوان‌ ‌نمونه‌هاي‌ *آثار ملّي‌ ايران*‌ نام‌ برد كه‌ در 1901م. آن‌ را نوشته است. اين‌ كتاب‌ حاوي‌ مقدار زيادي‌ از تصنيف‌هاي‌ ايراني‌ است‌ كه‌ در اواخر قرن‌ سيزدهم‌ هجري‌ رايج‌ و زبانزد مردم‌ بوده‌، ژوكوفسكي‌ آنها را جمع‌آوري‌ و به‌همراه‌ نمونه‌هايي‌ از ترانه‌هاي ‌ملّي‌ ايران‌ انتشار داده‌ است‌. (آرين‌پور، 1374:‌ 447)

اينوسترانتسف[[13]](#footnote-14)‌ ‌دو مقاله‌ تحت‌ عناوين‌ «آداب‌ و رسوم‌ اهالي‌ كرانة‌ ايراني‌ درياي‌ خزر در سدة‌ دهم‌ ميلادي‌ (چهارم ه‍‍.. ق.)» به‌ سال ‌1926م. و «قورقود در تاريخ‌ و روايات‌ افسانه‌اي‌» به‌سال‌ 1910م. (*كتاب‌شناسي‌خاورشناسان*‌، 1372: 72 -71) و كوراوغلي‌ ـ ايران‌شناس‌ مشهور شوروي ـ ‌«مثل‌ها و تمثيل‌هاي‌ فارسي‌» و كميسارف‌ *قصّه‌هاي‌ فارسي*‌ را منتشر كرده‌ است ‌(كميسارف‌ و ديگران، 1351: ترجمة‌ فارسي‌،‌ 103-69).

در سال‌ 1644، لوينوس‌ وارنر[[14]](#footnote-15) كتابي‌ تحت‌ عنوان‌ *صد گفتار و مثل‌ فارسي*‌ را در ليدن‌ منتشر كرد (شفا، 1351: 348). البتّه‌پژوهش‌هاي‌ محقّقان‌ خارجي‌ بدين‌ مقدار محدود نمي‌شود و آثارفراوان‌ ديگري‌ هم‌ در اين‌ زمينه‌ وجود دارد. به‌ويژه‌، مطالب‌ فراواني‌ كه‌ در سياحتنامه‌ها و سفرنامه‌هاي‌ سيّاحان‌ خارجي‌ از زمان‌ صفويه‌ به ‌اين‌ طرف‌ وجود دارد كه ‌خود تحقيق‌ مفصّلي‌ را مي‌طلبد؛ مانند *سفرنامة‌ تاورنيه*‌ (ترجمة‌ ابوتراب‌ نوري‌، چاپ‌دوم‌، اصفهان‌، كتابفروشي‌ تأييد، 1336) كه‌ در اثر خود با موشكافي‌ عجيبي‌ جامعة‌ ايران‌ عهد صفويه‌ و عادات‌ و رسوم‌ و افكار و عقايد آنها را به‌ ما نشان‌ داده‌ است‌، يا *سفرنامة‌ دروويل*‌ (ترجمة‌ جواد محيي‌، تهران‌، گوتنبرگ‌، 1337) كه‌ در فصل‌هاي‌ پانزدهم‌ و شانزدهم‌ آن‌ مراسم‌ نامزدي‌ و عروسي‌ و طلاق و وضع‌ بيوه‌زنان‌ توصيف ‌شده‌ است، يا سفرنامه‌هاي‌ اوژن‌ فلاندن‌ و شاردن‌ و فوريه‌ و ديگران‌ كه‌ تصويرگر آداب‌ و رسوم‌ و آيين‌ها و باورداشت‌هاي‌ مردمي‌ از گذشته‌ها و روشنگر بسياري ‌از زواياي‌ حيات‌ اجتماعي‌، اقتصادي‌، مذهبي‌ و فرهنگي‌ گذشتة‌ ما هستند.

يا آثار بسياري‌ كه‌ در شبه‌قارّة‌ هند و پاكستان‌ در زمينة‌ فرهنگ‌ عامّه‌ و ضرب‌الامثال‌ تأليف‌ شده‌ و‌ از گسترش‌ زبان‌ فارسي‌ در اين شبه‌قارّه‌ و پديدآمدن‌ آثاري‌ از اين‌ دست‌ حكايت دارد كه‌ پرداختن‌ به ‌اين‌ مطلب،‌ خود، درخور تأليف‌ كتابي‌مستقل‌ّ است‌. فقط‌ يادآور مي‌شويم‌ كه‌ پاية‌ تأليف‌ *امثال‌ و حكم*‌ دهخدا گذشته‌ از *مجمع‌الامثال‌* ميداني‌، بيشتر بر تأليفات‌ اديبان و محقّقان‌ شبه‌قارّة‌ هند و پاكستان بوده‌ و امروزه‌ آثار بسياري‌ از اين‌ گونه‌ تأليفات‌ پژوهشگران‌ شبه‌قارّه‌ در اختيار ما است كه‌ در آن‌ زمان‌ در نزد علاّمه‌ دهخدا نبوده‌ و از اين‌‌رو بسياري‌ از امثال‌ از شاهكار عظيم ‌استاد دهخدا فوت‌ شده‌ است‌ (جعفري‌، 1378: 5-60).(2)

در چند دهة‌ اخير، محقّقان‌ ايراني‌ هم‌ متوجّه ضرورت‌ گردآوري‌ و تحقيق‌ پيرامون‌ فرهنگ‌ عامّه‌ و عادات‌ و آداب‌ و رسوم‌ و فرهنگ‌ شفاهي‌ اين‌ كهن‌ مرزوبوم‌ شده‌ و تتبّعات‌ و كوشش‌هاي‌ فراواني‌ انجام‌ داده‌اند كه‌ به‌ ذكر نام‌ و آثار تعدادي‌ از آنان‌ به همراه شرحي مختصر بسنده‌ مي‌شود.

شايد قديمي‌ترين‌ كتاب‌ دربارة‌ اخلاق و رسوم‌ و عادات‌ در ايران‌، *عقايدالنساء* معروف‌ به‌ *كلثوم‌ننه‌* تأليف‌ آقاجمال‌ خوانساري‌ (متوفّي‌ 26 رمضان‌ 1125 ق.) باشد كه‌ به‌ سال‌ 1832م. به‌ زبان‌ انگليسي‌ در لندن‌ چاپ شد و در سال‌ 1881م.‌ تونليه[[15]](#footnote-16)‌‌ آن را به‌ زبان‌ فرانسه‌ ترجمه‌ و در پاريس‌ چاپ‌ كرد؛ خلاصه‌اي‌ از آن‌ نيز به‌ زبان‌ آذربايجاني‌ در شهر تبريز جزو مجموعه‌اي‌ به‌چاپ‌ رسيده‌ است‌.

بعد از مشروطيت‌، استاد علي‌‌اكبر دهخدا تلاشي‌ در جمع‌آوري‌ مثل‌ها وحكمت‌هاي‌ عاميانه‌ كرده‌ و بعضي‌ امثال‌ و حكم‌ فارسي‌ را نه‌ به‌ صورتي‌ كه‌ زبانزد عامه‌ است‌ بلكه‌ از كتاب‌ها و منابع‌ موجود در *لغت‌نامه‌ و امثال‌ و حكم*‌ خود گردآورد و هم‌ او در مقالات‌ «چرند و پرند» و جمال‌زاده‌ در داستان‌هاي‌ *يكي‌ بود يكي‌نبود* و تأليفات‌ ديگرش‌ مقدار زيادي‌ از لغات‌ و مصطلحات‌ عامّه‌ را ـ كه‌ نويسندگان‌ تا آن‌ روز از به‌ كاربردن‌ آنها امتناع‌ داشتند ـ به‌ كار بردند... كتاب‌ چهار جلدي‌ *امثال‌ و حكم*‌ دهخدا كه‌ بار اوّل‌ در 1310 در تهران‌ چاپ‌ شد، مجموعه‌اي‌ قريب‌ به پنجاه‌ هزار امثال‌ و حكم‌ و كلمات‌ قصار و ابيات‌ متفرّقه‌ را دربردارد و در آنها از مآخذي‌ چون‌ *مجموعة‌الامثال*‌ ميداني‌، *مجموعة‌ مختصر امثال‌* چاپ‌ هندوستان‌، *جامع‌التمثيل‌* چاپ‌ هند، *شاهد* *صادق* كه يك‌ مجموعة‌ هندي‌ است‌ استفاده‌ شده‌ است‌.

از نخستين‌ كساني‌ كه‌ در ايران‌ به اين‌ گنجينة‌ نفيس‌ ادبيات‌ فارسي‌ پي بردند، سيداحمد كسروي‌ بود كه‌ يادداشت‌هاي‌ فراواني‌ در مأموريت‌هاي‌ خود به‌عنوان‌ قاضي‌دادگستري‌ در شهرها و شهرستان‌ها دربارة‌ لهجه‌ها، مسائل‌ تاريخ‌ و جغرافيا، ديه‌ها وآبادي‌ها و آداب‌ و سنن‌ جمع‌آوري‌ كرد كه‌ متأسفانه‌ بسياري‌ از اين‌ يادداشت‌ها منتشر نشده‌ است‌.

صادق هدايت‌ را به‌ حق‌ّ بايد باني‌ راه‌ درست‌ تحقيق‌ و روش‌ صحيح‌ جمع‌آوري ‌فولكلور ايران‌ دانست (آرين‌پور، 1374:‌ 448)؛ زيرا او اوّلين‌ فردي‌ بود كه‌ ازروي‌ قاعده‌ و اصول‌ دقيق‌ علمي‌ به اين‌ كار اقدام كرد‌ و سلسله‌ مطالبي‌ را دربارة ‌فولكلور يا فرهنگ‌ توده‌ (نمونه‌ها و دستور جمع‌آوري‌ و تدوين‌ آن‌) در مجلّة *‌سخن‌* (از اسفند 1323 تا خرداد 1324) انتشار داد كه‌ بعدها در كتاب‌ *نوشته‌هاي‌* *پراكندة‌* او چاپ‌ شد (هدايت‌، 1344: 483-447؛ آرين‌پور، 1374). هدايت‌ همچنين‌ درسال‌1310 *اوسانه‌* را كه‌ حاوي‌ اشعار و ترانه‌ها و چيستان‌ها و بازي‌هاي‌ ملّي‌ بود، منتشر كرد و در سال‌ 1312، *نيرنگستان‌* را كه‌ مجموعه‌اي‌ از آداب‌ و تشريفات‌ جشن‌ و عروسي‌، در زناشويي‌ و عزا و ناخوشي‌ها و برآمدن‌ حاجت‌ها و خواب‌ و مرگ‌ و تفأل‌ و ساعات‌ سعد و نحس‌ و... بود. (آرين‌پور، 1374: 450).(3)

اميرقلي‌ اميني،‌ محقّق‌ ديگري‌ است‌ كه‌ دو مجموعه‌ از مثل‌هاي‌ فارسي‌ فراهم ‌آورده‌ است‌: مجموعة‌ اوّل‌، به‌نام‌ *هزار و يك‌ سخن‌*،‌ در 1299 در برلين‌ چاپ‌ شد كه‌ رسالة‌ كوچكي‌ بود از ضرب‌المثل‌ها بدون‌ شرح‌ و تفسير كه‌ نه‌ جامع‌ بود ونه‌ كامل‌؛ اثر ديگر او به‌نام‌ *داستان‌هاي‌ امثال*‌ به‌ سال‌ 1324 در اصفهان‌ منتشر شد. (همان‌؛ نيز كتيرايي، 1357: 130-92).

اميني ‌درميان‌ دانشمندان‌ ايران،‌ نخستين‌ كسي‌ بود كه‌ در تنظيم‌ فولكلورها، اصول‌ «مراجعه‌ به‌ خود مردم‌» را به‌ كار بست‌ (مهدوي‌، 1376: 51-50؛ كميسارف و ديگران، 1351: 72). البتّه‌ اميني‌ كتاب‌ مهمّ ‌ديگري‌ تحت‌ عنوان‌ *سي‌ افسانه‌* هم‌ دارد كه‌ به‌ سال‌ 1339 چاپ‌ كرد. اين‌ كتاب‌حاوي‌ سي‌ افسانه‌ از افسانه‌هاي‌ محلّي‌ اصفهان‌ است‌.

ديگر، حسين‌ كوهي‌ كرماني‌(1337-1276 ش.‌) است‌ كه‌ *چهارده‌ افسانه*‌ از افسانه‌هاي‌ شيرين‌ روستايي‌ راگردآوري‌ و در سال‌ 1314 چاپ‌ كرد. اين‌ كتاب‌ را‌ پرفسور كريستن‌سن‌ به‌زبان‌ آلماني‌ و هانري‌ ماسه‌ به‌ زبان فرانسه‌ ترجمه‌ كردند. اثر ديگر كوهي‌، *هفتصد ترانه*‌ است‌ كه‌ چاپ‌ اول‌ آن‌ در 1313، چاپ‌ دوم‌ آن‌ به‌ سال‌ 1317، و چاپ‌ سوم‌ آن‌ به‌ سال‌ 1322 به‌صورت‌ كامل‌تر و پاكيزه‌تر انجام‌ گرفت‌. البتّه‌ چاپ‌ ديگري‌ هم‌ از اين‌ كتاب‌ شده‌ است‌. (مهدوي‌، 1376:‌ 51-50).

فضل‌الله صبحي‌ مهتدي‌ كاشاني،‌ قصّه‌گوي‌ محبوب‌ بچه‌ها، پير داستان‌سراي‌ ايران‌(متوفّي‌ بامداد روز پنجشنبه‌ 17 آبان‌ماه‌ 1341) مقدار زيادي‌ از افسانه‌هاي‌ كهن‌ و نو را جمع‌آوري‌ كرد و با اين‌ كار، گنجينة‌ گرانقدري‌ بر ميراث‌ فرهنگ‌ عامّة ‌فارسي‌ افزود. جلد اوّل‌ *افسانه‌ها* محتوي‌ 16 افسانه‌ و جلد دوم‌ آن‌ شامل‌ 17 افسانه‌ است‌. صبحي، پس از اين كار،‌ دو دفتر ديگر از كهنه‌ترين‌ و اصيل‌ترين‌ افسانه‌هاي‌ نغز فارسي‌ را ـ كه‌ به‌قول‌ خود «از سينه‌ها بيرون‌ كشيده‌ و بر كاغذ آورده‌ بود» ـ‌ با روايات‌ مختلف‌ فراهم‌ آورد. جلد اوّل‌ آن‌ در مهرماه‌ 1328 و جلد دوم‌ با مقدمه‌اي‌ از يان‌ ريپكا ـ خاورشناس‌ چك‌ ـ در 1331 چاپ‌ شد. جلد اول‌ *افسانه‌هاي‌ كهن‌*، 2 افسانه‌ و جلد دوم‌ 18 افسانه‌ داشت‌. و بعد از اينها،‌ *افسانة‌ دژ* *هوش‌ربا* (1330)، *داستان‌هاي ‌ديوان‌ بلخ*‌ (1331) و *افسانه‌هاي‌ بوعلي‌سينا*
(1333) را انتشار داد. (آرين‌پور، 1374: 264-263)

سيدمحمّدعلي‌ جمال‌زاده،‌ علاوه‌ بر استفاده‌ از زبان‌ مردم‌ در مجموعة‌ *داستاني‌يكي‌* *بود* *يكي‌* *نبود* و ديگر آثارش،‌ كتاب‌ *فرهنگ‌ لغات‌ عاميانه*‌ (به‌ كوشش‌ محمدجعفرمحجوب‌، تهران‌، ابن‌سينا، 1341-1338) را نيز چاپ‌ كرد كه‌ دربردارندة‌ واژه‌هايي ‌است‌ كه‌ در زبان‌ رايج‌ فارسي‌زبانان‌ جنبة‌ عاميانه‌ دارد و در نواحي‌ مختلف‌ ايران ‌استعمال‌ مي‌شود. (كتيرايي‌، 1357: 91-36)

در سال‌ 1319-1318ش./1941م‌. ‌‌ احمد اخگر كتابي به‌نام‌ *امثال‌ منظوم* را ‌در دو جلد چاپ‌ و منتشر كرد. اين‌ كتاب‌ مجموعه‌اي‌ است‌ مخصوص‌ به‌ خود كه‌ درآن‌ پنج‌ هزار مثل‌ و تمثيل‌ جمع‌آوري‌ شده‌ است‌. (كميسارف‌ و ديگران‌،1351:
‌96-95)

در سال‌ 1956م.،‌ ‌سليمان‌ حيّيم‌ مجموعه‌اي‌ به‌نام‌ *ضرب‌المثل‌هاي‌ فارسي*‌ ـ *انگليسي‌* را انتشار داد‌. (همان‌، ص‌ 97-96)

نظر به اينكه‌ تعداد خادمان‌ فرهنگ‌ عامّه‌ در ايران‌ خيلي‌ بيش‌ از اينها است‌ و حجم‌ مقاله،‌ اجازة‌ پرداختن‌ به‌ ذكر تمامي‌ آنان‌ را نمي‌دهد، فقط‌ با يادي‌ از آنان‌ و برخي‌ آثار مشهورشان‌، به اين‌ بخش‌ پايان‌ مي‌دهيم‌. ابتدا بايد ذكري‌ از سيدابوالقاسم‌ انجوي‌شيرازي‌ كرد كه‌ با گردآوري‌ مجموعة‌ *قصّه‌هاي‌ ايراني*‌ (چهار جلد) و *مثل‌ و تمثيل‌ و بازي‌هاي‌ نمايشي‌ و جشن‌ها و آداب‌ و معتقدات‌ زمستان*‌ (دو جلد) و آثار ديگر، خدمات‌ شايسته‌اي‌ به‌ فولكلور ايراني‌ انجام‌ داده‌ است‌. خادمان ديگر اين عرصه عبارت‌اند از: ابراهيم‌ شكورزاده‌ با خلق‌آثار *ترانه‌هاي‌ روستايي‌ خراسان*‌ (1338)، *عقايد و رسوم‌ عامة‌ مردم‌ خراسان*‌ (1346) و *ده‌ هزار مثل*‌ (1372)؛ صادق همايوني‌ با كتاب‌هاي‌ *تعزيه‌ در ايران‌*، *فرهنگ‌ مردم‌سروستان*‌ (1349)؛ علينقي‌ بهروزي‌ با *واژه‌ها و مثل‌هاي‌ شيرازي‌ و كازروني*‌ (1348)؛ علي‌اكبر مراديان‌ با *مثل‌ها و ترانه‌هاي‌ گيلك*‌ (1347)؛ يوسف‌ جمشيدپور با *فرهنگ امثال‌ فارسي*‌ (1337)؛ سيد يحيي‌ برقعي‌ با كتاب‌ *كاوشي‌ در امثال‌ و حكم‌ فارسي*‌(1351)؛ محمود پاينده‌ با كتاب‌ *امثال‌ و اصطلاحات‌ گيل‌ و ديلم*‌ (1352)؛ مهدي‌ پرتوي‌آملي‌ با كتاب‌ *ريشه‌هاي‌ تاريخي‌ امثال‌ و حكم*‌ (1353) و *فرهنگ‌ عوام‌ آمل*‌(1358)؛ احمد مرعشي‌ با كتاب‌ *فرهنگ‌ لغات‌ و ضرب‌المثل‌هاي‌ گيلكي‌* (1355)؛ محمّد احمدپناهي‌ سمناني‌ با آثار چندي‌ چون‌ *ترانه‌ و ترانه‌سرايي‌ در ايران*‌ (سروش‌، 1376)؛ و *آداب و رسوم مردم سمنان* (پژوهشگاه علوم‌انساني و مطالعات فرهنگي، چ 2، 1383)؛ حسينعلي‌ بيهقي‌ با كتاب‌ *پژوهش‌ و بررسي‌ فرهنگ‌ عامّة‌ ايران*‌ (آستان‌ قدس‌رضوي‌، 1365) و تعدادي‌ مقاله؛ ابوالقاسم‌ فقيري‌ با كتاب‌ *گوشه‌هايي‌ از فرهنگ‌ مردم‌ فارس‌* (1357)؛ محمود كتيرايي‌ با كتاب‌هاي‌ *از خشت‌ تا خشت‌* (1348) و *فرهنگ‌ مردم‌ ايران*‌ (1357)؛ محسن‌ ميهن‌دوست‌ با *كلّه‌فرياد*، *ترانه‌هايي‌ از خراسان* ‌(1355) و *سمندر چل‌گيس‌* (1352)؛ عيسي‌ نيكوكار با كتاب‌ *ترانه‌هاي‌ نيمروز* (1352)؛ كاظم‌ سادات‌اشكوري‌ با *افسانه‌هاي‌ اشكوربالا*(1352)؛ پرويز اذكايي‌ با كتاب‌ *نوروز، تاريخچه‌ و مرجع‌شناسي‌* (1353)؛ مرتضي‌ هنري‌ با كتاب‌هاي‌ *اوسونگون‌* (افسانه‌هاي‌ مردم‌ خود)، *آيين‌هاي‌ نوروزي‌* (1353) و *تعزيه‌ در خور* (1354)؛ شادروان‌ احمد بهمنيار با *داستان‌نامة‌ بهمنياري‌* (1361)؛ حميد ايزدپناه‌ با كتاب‌ *داستان‌ها و زبانزدهاي‌ لري‌ و فرهنگ‌ لري‌* (1362)؛ يوسف‌ رحمتي‌ با *فرهنگ‌ عاميانه*‌ (1329)؛ و احمد شاملو با *كتاب‌ كوچه*‌ (آغاز چاپ‌ 1357). اينها بخش‌هايي‌ از تحقيقات‌ دربارة‌ امثال‌ و فرهنگ‌ عامّه‌ است‌. البتّه‌ در اين‌ مورد نبايد از آثار و پژوهش‌هاي‌ محقّقان‌ برجستة‌ دانشگاهي‌ و غيردانشگاهي‌ چون‌ جلال‌آل‌ احمد، غلامحسين‌ ساعدي‌، محمدجعفر محجوب‌، عبدالحسين‌ زرّين‌كوب‌، ايرج‌ افشار، احمد اقتداري‌، احمد افشار شيرازي‌، ناصر بقايي‌، مهدي‌ آذريزدي‌، حسن‌ امداد، بهرام‌ بيضايي‌، منوچهر لمعه‌، محمّد بهمن‌ بيگي‌، ابراهيم‌ پورداود، هوشنگ ‌پوركريم‌، علي‌ حصوري‌، بهرام‌ داوري‌، يحيي‌ ذكاء، علي‌ سامي‌، منوچهر ستوده‌، علي‌ بلوكباشي‌، محمّد پروين‌ گنابادي‌، جواد صفي‌نژاد، محمّد امين‌ اديب‌ طوسي‌، محمّد ميرشكرايي‌، محمّدتقي‌ مقتدري‌، عبدالله ناصري‌، احمد وكيليان‌ و علي‌ رياحي‌ و بسياري‌ ديگر غافل‌ ماند.

در زمينة آداب‌ و رسوم‌ و فرهنگ‌ عامّة‌ كردي نيز‌ آثار زيادي‌ در منابع‌ وجود دارد كه‌ به‌ اختصار به‌ تعدادي‌ از آنها اشاره‌ مي‌شود.

قبل‌ از همه‌ بايد از كارهاي‌كردشناس‌ معروف‌ خانم‌ امينه‌ اودال‌ ياد كرد كه‌ تمامي تحقيقات‌ خود را پيرامون‌ كردها انجام‌ داده‌ است، ازجمله‌ در زمينة‌ فرهنگ‌ عامّة‌ كردي‌ آثاري‌ چون‌ «زنان‌ كرد درخانواده‌هاي‌ پدرسالاري‌ از ديدگاه‌ قوم‌شناسي‌ و فرهنگ‌ عامّه‌» (به‌زبان‌ ارمني‌،چاپ‌ 1948) و *داستان‌هاي‌ ملّي‌ كرد* (به‌زبان‌ ارمني‌، ايروان‌، 1957) و *منظومة‌ كردي‌ مامه‌ و زينه*‌ (چاپ‌ 1958) ياد كرد. همچنين،‌ اثر ديگر او به‌نام‌ *شعرها و منظومه‌ها*(چاپ‌ ايروان‌، 1963) معروف‌ است‌. (*كتاب‌شناسي‌ خاورشناسان‌*، 1372: ‌38-36)

ديگر، آ. يابا[[16]](#footnote-17)‌‌ است‌ كه‌ در سال‌ 1860م.، مجموعه‌اي‌ از اطّلاعات‌ مربوط‌ به‌ كردها و افسانه‌هاي‌ آنها را در سنت‌پترزبورگ‌ به‌چاپ‌ رساند (شفا، 1351:‌ ج 2، ص 1154). ژ.س‌. ساموئليان‌ در سال‌ 1963م.، *فهرست‌ كتاب‌شناسي‌ مطالعات‌ كردشناسي*‌ را تأليف‌ و در مسكو به‌چاپ‌ رساند (همان‌، ص‌ 1289). م‌.ب‌. رودنكو هم در سال‌1963م.، كتاب‌ *آداب‌ و سنن‌ كردها* تأليف‌ ملاّ محمود بايزيدي‌ را ترجمه‌ و با مقدّمه‌ و توضيحات‌ در مسكو چاپ‌ كرد. (همان‌، 1288)

محقّقان‌ ايراني‌ نيز‌ دربارة‌ فولكلور و فرهنگ‌ تودة‌ كردها پژوهش‌هاي‌ خوبي‌ انجام ‌داده‌اند كه‌ فهرست‌وار به‌ تعدادي‌ از آنها اشاره‌ مي‌شود:

اورنگ‌، م‌.، *كردشناسي‌*، تهران‌، 1346. بخشي‌ از اين‌ كتاب‌ دربارة‌ جشن‌هاي‌ كردي‌ است‌.

بدليسي‌، اميرشرف‌خان‌، *شرف‌نامه‌*، *تاريخ‌ مفصّل‌ كردستان*‌ (با مقدّمه‌ و تعليقات‌ و فهارس‌، به‌قلم‌ محمّد عبّاسي‌)، تهران‌: علمي‌، 1343، صدويازده‌ + 917 ص‌. در مقدّمة‌ كتاب‌ راجع‌ به‌ آيين‌ و مذهب‌ و معتقدات‌ كردان‌ (ص‌ 71-47) سخن‌ رفته‌ است‌.

«ترانة‌ كردي‌»، موسيقي‌ 2، 4: 11-10، تير 1319 ‌[يك‌ ترانة‌ كردي‌ به‌ لهجة‌ كردي‌ با ترجمه‌ و نت‌ و آهنگ‌ آن].

«ترانه‌هاي‌ كردي‌»، دانش‌، 5-1: 293-292، مرداد 1328.

«چند ترانة‌ كردي‌»، موسيقي‌، 3، 15: 79-78، آبان‌ 1336 و 3، 16: 15-14، آذر 1336.

غنيمي‌، مهدي، «ترانه‌هاي‌ كردي‌»، موسيقي‌ 3، 1: 44-41، فروردين‌ 1320 [چند ترانة‌ كردي‌ به‌ گويش‌ محلّي‌ با ترجمة‌ آنها].

مكري‌، محمّد، «بازي‌هاي‌ كردستان‌»، تمدّن‌، 2، 7: 320-317، تير 1332 [ذكر چند نمونه‌ از بازي‌هاي‌ كردستان‌].

ــــــــــــ ، «چند ترانة كردي‌»، سخن‌، 15، 2: 162، آذر 1343 ‌[چند ترانة‌ محلّي‌كردي‌ با ترجمة‌ فارسي‌ و چند شعر ژاپني].

ـــــــــــ ، «گوراني‌ با ترانه‌هاي‌ كردي‌»، در راه‌ هنر، 1، 1: 30، اسفند 1333 [چند ترانة‌ كردي‌ به‌ گويش‌ محلّي‌ و ترجمة‌ آنها].

ــــــــــ ، گوراني‌ با ترانه‌هاي‌ كردي‌، تهران: كتابخانة‌ دانش‌، 1329،
195 ص‌.

ترانه‌هاي‌ اين‌ كتاب‌ شامل‌ فولكلوري‌ ده‌هجايي‌ و هشت‌هجايي‌ كردي‌ است‌.(4)

البتّه‌ در زبان‌ تركي‌،‌ علاوه‌ بر تحقيقات‌ خاورشناسان‌ و محقّقان ‌خارجي، محقّقان‌ ايراني‌منابع‌ زيادتري‌ پيرامون‌ ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، آداب‌ و رسوم‌ آذربايجان‌ ‌نوشته‌اند كه‌ برشمردن‌ و معرّفي‌ تمامي‌ آنها به‌ جهت‌ محدوديت‌ حجم‌ مقاله‌ امكان‌ ندارد. حتّي‌ آثاري‌ وجود دارد كه‌ هنوز چاپ‌ نشده‌ است؛ مثلاً در كتاب‌ *نگاهي‌ به‌ تاريخ‌ و جغرافياي‌ ارسباران*‌ تأليف‌ حسين‌ دوستي‌ (تهران: احرار، 1373: 391-390) نوشته شده كه‌ ملاّحسن‌ اديب‌ (1351-1285 ه‍.. ق. مشكين‌شهر) مثل‌هاي‌ رايج‌ ميان‌ مردم‌ را به‌ سه‌ زبان‌ فارسي‌، تركي‌، و عربي،‌ به‌همراه‌ حكايات‌ نغز، در كتابي‌ به‌نام‌ سه‌مثل‌ جمع‌ كرده‌ كه‌ هنوز به‌ صورت‌ خطّي‌ است.

همچنين‌، علاوه‌ بر مطالبي‌ كه‌ در كتاب‌هاي‌ عمومي‌ فرهنگ‌ عامّه‌ دربارة‌ آداب‌ و رسوم‌ آذربايجان همچون‌ *زمستان‌*، *جشن‌ها و آداب‌ و معتقدات*‌ (1354) انجوي‌ شيرازي‌يا آثار جليل‌ ضياءپور مانند *پوشاك‌ ايل‌ها* (1346) و *پوشاك‌ زنان‌ ايراني‌*
(1347) يا *معتقدات‌ ما ايرانيان*‌ از هانري‌ ماسه‌ (1355) و نوشته‌هاي‌ ديگران‌ آمده‌، برخي‌ از منابع‌ فولكلور آذربايجان‌ را كه‌ به‌ زبان‌هاي‌ فارسي‌ و تركي‌ است،‌ در زير معرفي مي‌كنيم‌:

آذرافشار، احمد، *افسانه‌هاي‌ آذربايجان‌*، تهران: دي‌، 1368، 360 ص‌.

احمدي‌ تبريزي‌، حسين‌، *داستان‌هاي‌ محلّي‌ آذربايجان‌*، تبريز (چاپخانة‌ اختر شمال‌)، 1328، 120 ص‌.

ارژنگي‌، هوشنگ‌، *تعبيرات‌ و اصطلاحات‌ و امثال‌ مشترك‌ فارسي‌ و آذربايجاني*‌، تهران‌،1337، 68 ص‌.

«باياتيلار» خوشه‌، 12، 30: 23، 26 مهر 1346 [دو ترانة‌ آذربايجاني‌ به‌ گويش‌ محلّي]‌.

بهرام‌،...، «سه‌ باياتي‌ آذربايجاني‌»، *خوشه‌*، 13، 1: 41، يك‌ دي‌ 1347 [سه‌ ترانة ‌آذربايجاني‌ به‌ گويش‌ محلّي‌ و ترجمة‌ فارسي‌ آنها].

ـــــ ، «فولكلور و ادبيات‌ محلّي‌ آذربايجان‌»، *خوشه‌*، 12، 47: 15، 25 دي‌1346 ‌[ترجمة‌ دو شعر محلّي‌ غنايي‌ از داستان‌ خان‌ كپلي].

بهرنگي‌، صمد، «ادبيات‌ و فولكلور آذربايجان‌»، *راهنماي‌ كتاب‌*، 9، 2:
182-176، تير 1345 [بررسي‌ خصوصيات‌ فولكلوريك‌ افسانه‌هاي‌ آذربايجان‌ و تقسيم‌بندي‌ آنها].

ـــــــــــــ ، *افسانه‌هاي‌ آذربايجان‌*، روايت‌ صمد بهرنگي‌ و بهروز دهقاني‌، بي‌جا، بي‌نا، 1346، 143 ص‌.

ــــــــــــ ، «فولكلور آذربايجاني‌، عاشقانه‌ باياتيلار، اجتماعي‌ باياتيلار» *خوشه‌*، 13،28: 67-66، 31 شهريور 1347 [دوبيتي‌هاي‌ عاشقانه‌، دوبيتي‌هاي‌ اجتماعي‌ و ترجمة‌ آنها].

ــــــــــــ ، *كندوكاو در مسائل‌ تربيتي‌ ايران‌*، چاپ‌ سوم‌، تهران: انتشارات‌ روز، 1348، 119 ص‌ (در قسمت‌ آخر كتاب‌ بحثي‌ شده‌ است‌ از آداب‌ و رسوم‌ روستانشينان‌ آذربايجان‌ در مورد نحوة‌ معاشرت‌، نوع‌ بازي‌، اعتقادها‌ و نوع‌ رفتار با زنان‌).

ــــــــــــ ، «مشخّصات‌ قهرمان‌ در افسانه‌هاي‌ آذربايجان‌»، *آرش‌*، 3، 5:
56-55، آذر 1347 [تقسيم‌بندي‌ داستان‌هاي‌ فولكلوريك‌ آذربايجاني‌ ازلحاظ‌ نوع‌ و سخني‌ چند پيرامون‌ قهرمانان‌ و چهره‌هاي‌ مشخّص‌ افسانه‌ها از قبيل‌ ديو، گرگ‌، روباه‌ و كچل‌ و نقش‌ هر يك‌ از آنها].

بهروز، صمد، «فولكلور تبريز»، *خوشه‌*، 12، 36: 39، 7 آبان‌ 1346 [تصنيف‌ محلّي‌ آذربايجاني‌ مخصوص‌ جشن‌ عروسي‌ با ترجمة‌ فارسي‌].

ـــــــــــ ، «فولكلور و ادبيات‌ محلّي‌ آذربايجان‌، نيسان‌ (روزهاي‌ باران‌ در آذربايجان‌)»، *خوشه‌*، 12، 51: 39-38، 22 بهمن‌ 1346 ‌[يك‌ ترانة محلّي‌ آذربايجاني‌ كه‌ براي نزول‌ باران‌ خوانده‌ مي‌شود، به ‌ضميمة‌ ترجمة فارسي‌ ترانه].

ــــــــــ. ، «فولكلور و ادبيات‌ محلّي‌ آذربايجان‌»، *خوشه‌*، 12، 50: 41-39، 15 بهمن‌ 1346 [يك‌ ترانة‌ محلّي‌ آذربايجاني‌ كه‌ زنان‌ براي آبستن‌ شدن‌ مي‌خوانند‌، به‌ضميمة‌ چند ترانة‌ لالايي‌ با ترجمة‌ فارسي]‌.

پوراكبر، ر.، *بررسي‌ ادبيات‌ شفاهي‌ آذربايجان‌*، تبريز: بهروز، بي‌تا، 152 ص‌.

*ترانه‌هاي‌ محلّي‌ آذربايجان‌*، تبريز، بي‌تا، 1334، 12 ص‌.

*ترانه‌هاي‌ محلّي‌ و فارسي*‌ ـ *آذربايجاني‌* ـ *گيلكي‌*، تهران‌: اميركبير، 1333، 163 ص‌.

جاويد، س‌.، *نمونه‌هاي‌ فولكلور آذربايجان‌*، تهران‌، 1344، 287 ص‌. (در اين‌ كتاب‌، نمونه‌هايي‌ از ضرب‌المثل‌ها و رباعي‌ها و لالايي‌ها و چيستان‌ها وحكايات‌ و داستان‌هاي‌ عاميانة‌ آذربايجان‌ و نيز بازي‌هاي‌ معمول‌ در آنجا و ابيات‌ سوگواري‌ و لطايف‌ و قفل‌بندي‌ گردآوري‌ شده‌ است‌. تصاويري مربوط‌ به ‌داستان‌هاي‌ عاميانة‌ آذربايجان‌ هم دارد).

دهخوارقاني‌، عليقلي، *امثال‌العجم‌* (فارسي‌ ـ تركي‌)، تبريز: بي‌نا، 1333 (شامل‌ِ ضرب‌المثل‌هاي‌ فارسي‌ / و ضرب‌المثل‌هاي‌ تركي‌ آذربايجاني).‌

ذكاء، يحيي‌، «يك‌ تصنيف‌ قديم‌ ايراني‌ آذربايجاني‌ (صائدوقاگيرسم‌ نيلرسن‌)»، *سخن‌*، 3، 1: 63-62، فروردين‌ 1325 ‌[يك‌ ترانه‌ به‌ گويش‌ محلّي‌ آذربايجاني‌ با ترجمة‌ فارسي].

رئيس‌نيا، رحيم‌، *كوراوغلو در افسانه‌ و تاريخ‌*، تبريز: نيما، 1366، 486 ص‌.

روحي‌ انارجاني، *رساله‌ در آداب‌ و عادات‌ مردم‌ آذربايجان‌*، با تصحيح‌ و مقدّمة سعيد نفيسي‌، تهران‌: فرهنگ‌ ايران‌ زمين‌، 1333.

روشن‌، حسن‌، *ادبيات‌ شفاهي‌ مردم‌ آذربايجان‌*، تهران‌: دنيا، 1358، 187 ص‌.

سعيدي‌، علي‌اصغر، «فولكلور، ترانه‌هاي‌ محلّي‌، يك‌ رسم‌ محلّي‌، چند عرف‌ محلّي‌»، ترانه‌ 1، 2 : 11، ارديبهشت‌ 1337 [چند ترانة‌ آذربايجاني‌ به‌ گويش‌ محلّي‌ مربوط‌ به‌ آمدن‌ مهمان‌ و كيسه‌دوختن‌ در آخرين‌ شب‌ جمعة‌ ماه‌ رمضان‌ پولدار شدن‌].

صاد (صمد بهرنگي‌). «عاشيق‌ شعري‌»، *خوشه‌*، 12، 33: 26-22، مهر 1346 [خوانندگان‌ و نوازندگان‌ دوره‌گرد آذربايجاني‌ كه‌ در عروسي‌ها و مجالس‌ جشن‌ روستاييان،‌ افسانه‌هاي‌ عاشقانه‌ و رزمي‌ و فولكلوريك‌ همراه‌ دف‌ و سرنا مي‌خوانند و مي‌نوازند، به‌ضميمة‌ چندين‌ ترانة‌ محلّي‌ آذربايجاني‌ با ترجمة‌ آنها و چندين‌ داستان‌ حماسي‌ مشهور].

ــــــــــــــــــ . «فولكلور و ادبيات‌ محلّي‌ آذربايجان‌، ساري‌ عاشق‌»، *خوشه‌*، 12، 41 : 50-49، 12 آذر 1346 [توصيف‌ زندگي‌ و طرز تفكّر خوانندگان‌ و نوازندگان‌ دوره‌گرد آذربايجان‌ و چگونگي‌ سرودن‌ و خواندن‌ ترانه‌هاي‌ محلّي‌ و افسانه‌هاي‌ رزمي‌ و حماسي‌ از طرف‌ آنان‌، به‌ضميمة‌ چندين ترانة محلّي‌ آذربايجاني‌ با ترجمة‌ فارسي‌].

صديق‌، ح‌.، *هفت‌ مقاله‌ پيرامون‌ فولكلور و ادبيات‌ مردم‌ آذربايجان‌*، چاپ‌ دوم‌، تهران‌: دنياي‌ دانش‌، 1357، 201 ص‌. (فهرست‌ اين‌ هفت‌ مقاله‌ عبارت است‌ از: پيرامون‌ حماسه‌هاي‌ دده‌قورقود، سخنان‌ منظوم‌ و ترانه‌هاي‌ بومي‌ آذربايجاني‌، افسانه‌هاي‌ محلّي‌ آذربايجان‌، ادبيات‌ عاشيق‌ها، ادبيات‌ عاميانة‌ مردم‌ تركمن‌ صحرا، پيرامون‌ برخي‌ موارد فولكلوريك‌ در دهات‌ اطراف‌ هريس‌، محمّد باقر خلخالي‌ ومثنوي‌ ثعلبيه).

*ضروب‌ و امثال‌ تركي*‌، تبريز، 1303 قمري‌.

قدس‌، يعقوب، *آتالارسوزو، گفتار نياكان‌، امثال‌ و حكم‌ و اصطلاحات‌ آذربايجان*‌، تهران: نويد، 1359، 206 ص‌.

ــــــــــــــ ، *امثال‌ و حكم‌ و اصطلاحات‌ در زبان‌ آذربايجاني‌*، ج‌ 1، تهران: انتشارات‌ نويد، 1359، 206 ص‌. (اين‌ كتاب‌ در بيست‌ فصل‌ و به‌صورت‌ دو ستوني‌ چاپ‌ و در آن، مثل‌هاي‌آذربايجاني‌ براساس‌ موضوع‌ و هر دسته‌ از روش‌ها و منش‌ها و فرهنگ‌ توده‌ هم طبقه‌بندي‌ و سپس‌ با روش‌ الفبايي‌ آورده‌ شده است‌ ـ ابتدا مثل‌ و زبانزد آذربايجاني‌، سپس‌ برگردان‌ فارسي‌ آنها ـ. ... كتاب‌ حاوي‌ حدود 6000 فقره‌ امثال‌ و حكم‌ و اصطلاحات‌ است‌).

مجتهدي‌، علي‌ اصغر، *امثال‌ و حكم‌ در لهجة‌ آذربايجان‌*، تبريز، 1334، 290 ص.‌‌ (در اين‌ كتاب،‌ مثل‌هاي‌ تركي‌ به‌روش‌ الفبايي‌ و آوانويسي‌ لاتيني‌ و برگردان‌ فارسي ‌آمده‌ است‌).

مجدبيكف‌، داود، *آذربايجان‌ خلق‌ ترانه‌ لري‌* (ترانه‌هاي‌ خلق‌ آذربايجان‌)، بازنويس‌منيژة‌ عليپور، تهران‌: چنگ‌، بي‌تا، 113 ص‌.

محمّدزاده‌ صديق‌، ح.، «كتاب‌ كوچه‌، با ساز و سخن‌»، *خوشه‌*، 13، 5: 69-68، 11فروردين‌ 1347 [ترانه‌هاي‌ سهند و اغنيا، منيم‌ تاريم‌ ونئچه‌، سه‌ ترانة‌ محلّي‌ آذربايجاني‌ با ترجمة فارسي]‌.

نابدل‌، عليرضا، «قصّة‌ آقاكوزه‌»، *كتاب‌ هفته‌*، 1: 128-127، 16 مهر 1340 [يك ‌متل‌ آذربايجاني‌ به‌ لهجة‌ عاميانه]‌.

همچنين،‌ دربارة‌ مثل‌هاي‌ آذربايجان‌ چند مقاله را‌ هم‌ هوشنگ‌ ارژنگي‌ و رفيعه‌ قناديان‌ در *نشرية‌ دانشكدة‌ ادبيات‌ تبريز* و محمّد كياني‌ و فيروز نادري‌ در مجلّة‌ فردوسي‌ و ديگران‌ در *پيام‌ نو* و *سخن‌* چاپ كرده‌اند؛ مانند «مثل‌هاي‌ اردبيل‌» از حبيب‌ ابراهيم‌زاده‌‌. ( ← زماني‌ و بلوكباشي‌، 1350: 45)

پي‌نوشت‌ها

1. اين‌ اثر زير عنوان‌ معتقدات‌ ما ايرانيان‌ با ترجمة‌ مهدي‌ روشن‌ضمير در دو جلد در دانشگاه‌ تبريز چاپ‌ شده‌ است‌.

2. و بخش‌هايي از كتاب‌هايي‌ كه‌ تحت‌ عنوان‌ كتاب‌هاي‌ چنددانشي‌ معروف‌اند، به‌ ضرب‌المثل‌ها اختصاص‌ دارد؛ مانند كتاب‌هاي‌ *چارشربت*‌ از ميرزامحمّدحسن ‌قتيل‌ لاهوري‌ (لكهنو، 1268 ه‍.. ق.) يا *مخزن‌الفوائد محمّد* فايق‌ لكهنوي‌ ولد مقبول‌(لكهنو، 1267 ه‍.. ق.).

3. براي‌ اطّلاع‌بيشتر، ← كميسارف و ديگران، 1351: 43-9 و 75-72.

4. براي‌ اطّلاعات‌ بيشتر از مقاله‌هاي پيرامون‌ ترانه‌هاي‌ كردي‌، ← زماني‌ و بلوكباشي‌،1350: 38-36. علاوه‌ برمنابع‌ مورد استفادة‌ فرهنگ‌ عامّه‌ در زبان‌ كردي‌، ← افناني‌، نجيبه، *كتاب‌شناسي‌ آذربايجان‌*، تهران‌: دانشگاه‌ علاّمه‌ طباطبايي‌،‌1372.

كتابنامه

آرين‌پور، يحيي.‌ 1374. *از نيما تا روزگار ما*. تهران‌: زوّار.

جعفري‌، يونس. بهار‌ 1378. «ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌هاي‌ فارسي‌ رايج‌ در هند» (تكملة‌ *امثال‌ و حكم‌* دهخدا)، *نامة‌ پارسي‌*، س‌ 4، ش‌ 1.

زماني‌، محمود و بلوكباشي‌، علي‌. *كتابشناسي‌ فرهنگ‌ عامّه‌*. تهران: مؤسسة‌ فرهنگي منطقه‌اي‌.

شفا، شجاع‌الدّين‌. 1351. *جهان‌ ايران‌شناسي‌*. ج‌ 2. تهران: كتابخانة‌ پهلوي ‌(سابق‌).

طاهري‌، ابوالقاسم‌. 1352. *سيرفرهنگ‌ در بريتانيا*. تهران: انجمن‌ آثار ملّي‌.

فهرست‌ *مقالات‌ مردم‌شناسي‌*، 2536 (1356)، ج‌ 1، مؤسسة‌ تحقيقات‌ اجتماعي‌ دانشگاه‌ تهران.

*كتاب‌شناسي‌ خاورشناسان‌*. 1372. با مقدّمة‌ عنايت‌الله رضا و همكاري‌ گروه ‌مولّفان‌ ومترجمان‌. تهران: الهُدي.

كتيرايي، محمود. 1357. *زبان و فرهنگ مردم*. تهران: توكا.

كريستن‌سن‌، آرتور.1341ه‍.. ق. «علم‌ اساطير»، *ايرانشهر*(مجلّة‌ مصوّر، علمي‌ و ادبي‌) س1، ش‌ 6.

كميسارف‌ و ديگران.‌ 1351. *هفت‌ مقاله‌ از ايران‌شناسان‌ شوروي‌*. ترجمة ‌ابوالفضل‌ آزموده. تهران: مركز نشر سپهر.

ماسه‌، هانري‌. 1355. *معتقدات‌ ما ايرانيان‌*. ترجمة‌ مهدي‌ روشن‌ضمير. 2 ج. دانشگاه‌ تبريز.

مهدوي‌، رضا. بهار 1376. «يادي‌ از كوهي‌ كرماني‌ و هفتصد ترانة‌ او»، *فصلنامة‌ شعر*، س‌ 4،
ش21.

هدايت‌، صادق. 1344. *فرهنگ‌ عاميانة‌ مردم‌ ايران‌*. تهران‌: اميركبير.

ــــــــــــ . 1378. *فرهنگ‌ عاميانة‌ مردم‌ ايران‌*. گردآورنده: جهانگير هدايت‌. تهران‌: نشر چشمه‌.

ــــــــــــ . 1378. *نوشته‌هاي پراكنده‌*. چ 2. تهران‌: اميركبير.

1. . O.Mann 2. Lorimer [↑](#footnote-ref-2)
2. 3. *Kulsum Nani* [↑](#footnote-ref-3)
3. 4. *Customs and manners of the women of Persia, 1932* [↑](#footnote-ref-4)
4. 5. H.G.Keen [↑](#footnote-ref-5)
5. [↑](#footnote-ref-6)
6. . C.M.Gibbon 2. Elwell Sutton [↑](#footnote-ref-7)
7. 3. Aarne & Thompson 4. Pelly [↑](#footnote-ref-8)
8. 5. Edward Montine [↑](#footnote-ref-9)
9. [↑](#footnote-ref-10)
10. [↑](#footnote-ref-11)
11. . Wilhelm Eilers 2. Galunov [↑](#footnote-ref-12)
12. 3. K.A.Inostrantsev [↑](#footnote-ref-13)
13. [↑](#footnote-ref-14)
14. . Levinus Warner [↑](#footnote-ref-15)
15. . Thonnelier [↑](#footnote-ref-16)
16. . A.Jaba [↑](#footnote-ref-17)